

تجلی مرتبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن در آینه نهج البلاغه

حامد پوررستمی*

چکیده

منزلت و جایگاه اهل بیت علیهم السلام در قرآن کریم یکی از موضوعاتی است که در نهج البلاغه از آن سخن به میان آمده است؛ موضوعی که توجه به آن از دو حیث «عترت‌شناختی» و «قرآن‌شناختی» مهم ارزیابی می‌شود.

عبارت «فانزلوهم باحسن منازل القرآن» در خطبه ۸۶ و «فیهم کرائم القرآن» در خطبه ۱۵۳ دو شاهد موضوع‌اند که واکاوی دلالتی و مفهومی آنها، از وجوه معنایی عمیق و دقیقی حکایت دارد که از نگاه بیشتر مترجمان و شارحان پنهان مانده و به تبع آن، به نکات معرفت‌شناختی آنها در حوزه منزلت اهل بیت علیهم السلام اشاره نشده است. به نظر می‌رسد درنگ سندی درباره «فیهم کرائم القرآن» و نسخه‌پژوهی آن هم مغفول مانده است.

نویسنده در این مقاله می‌کوشد با پردازش شواهد یادشده، تصویری درست و شایسته از منزلت قرآنی اهل بیت علیهم السلام در کلام امیرمؤمنان علیه السلام ارائه دهد.

واژگان کلیدی

اهل بیت، تجلی منزلت، منزلت قرآنی، کرائم الایمان.

purrostami@ut.ac.ir

*. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی پردیس قم دانشگاه تهران.

تاریخ تأیید: ۸۹/۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۰

مقدمه

چگونگی ظهور و مراتب تجلی اهل بیت علیهم السلام در قرآن، یکی از موضوعاتی است که همواره ذهن دانشمندان اسلامی را به خود مشغول کرده و بحث‌هایی را در حوزه عترت پژوهی به خود اختصاص داده است. عده‌ای با استناد به برخی روایات، مدعی حضور اسمی و لفظی اهل بیت علیهم السلام در قرآن بودند و می‌گفتند اسامی آنها در قرآن بود.^۱

چنین دیدگاهی امروزه طرفدارانی ندارد و غالب دانشمندان آن قول را برنتافته و با ارائه شواهد گوناگون، بر حضور غیراسمی و تفسیری اهل بیت علیهم السلام در قرآن پای فشرده‌اند. (خویی، بی‌تا: ۲۳۲ - ۲۲۹؛ معرفت، ۱۴۲۸: ۲۲۰ - ۲۱۴؛ انواری، ۱۳۸۴: ۱۲۸ - ۱۲۳؛ کاظمی قزوینی، ۱۴۲۴: ۲۱۷)

در مقابل حضور اسمی و لفظی، مراتب تجلی و ظهور قرار داد که ناظر به منزلت و جایگاهی است که قرآن از شخصیت اهل بیت علیهم السلام ارائه می‌دهد و به تصویر می‌کشد. در این باب هر چند برخی، آیات شدید اللحن و عتاب‌آلود قرآن را به اهل بیت علیهم السلام نسبت داده و سعی کرده‌اند درباره مذمت اهل بیت علیهم السلام در قرآن سخن بگویند^۲ اما بیشتر مفسران، بسیاری از آیات قرآن را در مدح و منزلت اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند و قرآن را ظرف تجلی مقامات و فضائل آنها^۳ شمرده‌اند، حتی برخی متقدمان مانند محمد بن علی بن عثمان

۱. از جمله قائلان این قول شاذ، محدث نوری است. وی می‌نویسد:

خداوند متعال جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و دختر صدیقه‌اش را در همه کتاب‌های مقدس آسمانی که بر پیامبرش نازل کرده، نام برده و گوشه‌ای از شمائل و اوصافشان را یادآور شده است. چگونه یک شخص با انصاف احتمال می‌دهد که خداوند متعال نام آنان را در قرآن نبرده و آنان را برای پیامبرش معرفی نکند؛ با اینکه برترین امتد و عنایت خداوند به آنان بیشتر است. (محدث نوری، *فصل الخطاب*: ۱۸۳ به نقل از:

نجارزادگان، ۱۳۸۴: ۱۵۶) دستیابی به اصل کتاب، به رغم تلاش نگارنده، میسر نشد.

۲. برای مثال ابن تیمیه نزول آیه حرمت شراب را، به زعم متعصبانه خود به امیرمؤمنان علی علیه السلام نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «و قد انزل الله تعالى في علي: «يا ايها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة و انتم سكارى حتي تعلموا ما تقولون» لما صلى فقرأ و خلط». (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۷ / ۲۳۷)

۳. وقتی ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره «اولی الامر» در آیه شریفه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منكم» پرسید، حضرت فرمود: «این آیه درباره علی بن ابی‌طالب، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است». ابوبصیر گفت: مردم پرسند چرا نام علی علیه السلام و اهل بیت او در قرآن نیامده است؟ امام فرمود: به مردم بگویید که حکم نماز بر رسول خدا نازل شد، ولی خداوند به دو یا چهار رکعت بودن نماز اشاره نکرد تا اینکه

کراچکی (م: ۴۴۹ ق) در اثبات برتری اهل بیت (علیهم السلام) بر انبیای پیشین، از حیث فضائل و مقامات، کتاب التفضیل را نگاشته‌اند. (کراچکی، ۱۳۶۱: ۲۴)

یکی از بهترین مراجع دستیابی به مراتب و منزلت حقیقی اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن، خود اهل بیت‌اند و در این میان کلمات امام علی (علیه السلام) شاخص مقبولی برای هر دو مکتب شیعه و سنی است، چنان‌که بزرگان اهل سنت اقوال امام علی (علیه السلام) را حجت دانسته و بخشی از آثار خود را به جایگاه بلند علمی و اخلاقی ایشان و اولاد مطهرش اختصاص داده‌اند. (نسایی، بی تا؛ اسکافی، بی تا؛ قندوزی، ۱۴۱۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱) در این میان نهج البلاغه از شهرت و جایگاه ویژه‌ای دارد که در این نوشتار می‌خواهیم شواهد ناظر به تجلی مراتب منزلت اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن، از منظر این کتاب شریف را بررسی کنیم.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد ضرورت توجه به این موضوع نیز بر کسی پوشیده نباشد، چراکه از دو حیث «عترت‌شناختی» و «قرآن‌شناختی» اهمیت دارد: منظور از حیث عترت‌شناختی این است که یکی از مهم‌ترین بایدهای معرفتی در دین، معرفت جایگاه امامت و ولایت می‌باشد؛ چنان‌که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

سوگند به خدایی که جانم به دست اوست، عمل فرد برای او سودمند نیست، جز به شرط معرفت به حق ما «اهل بیت (علیهم السلام)». (طبرانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۶۰؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ۲ / ۲۷۲)

از امام علی (علیه السلام) هم نقل شده است:

امامان به‌پادارندگان امر خدا بر خلق او و مایه شناسایی خداوند برای بندگان او هستند. کسی وارد بهشت نمی‌شود؛ مگر اینکه آنها را بشناسد و آنها نیز

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) کیفیت نماز را بر ایشان تبیین نمود ... و آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» نازل شد، پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «آیه درباره علی است، هر کس من مولای او هستم، پس علی مولای اوست» و فرمود: «شما را به کتاب خدا و اهل بیتم سفارش می‌کنم ...». (کلینی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۸۶ و ۲۸۷) پیام حدیث شریف این است که قرآن به برخی معارف و احکام تصریح ننموده است، اما خداوند اعتقاد و التزام به آن امور را با تبیین و تفسیر نبوی، بر همگان فرض کرده است که از جمله این امور، معرفی و تشریح ولایت و امامت امیرمؤمنان و اولاد پاک اوست.

او را بشناسند (تأیید کنند) و کسی وارد دوزخ نمی‌شود؛ مگر اینکه آنها را شناسد و آنها نیز او را شناسند (تأیید نکنند). (شریف رضی، بی تا: خ ۱۵۲)

پیداست اینکه اهل بیت علیهم‌السلام مایه شناخت پروردگار عالم‌اند^۱ و شقاوت بندگان به معرفت مردم نسبت به آنها و تأیید آنها نسبت به خلق مشروط می‌باشد، مشروط گویای ضرورت شناخت ائمه است.

منظور از حیث قرآن‌شناختی نیز این است که شناخت قرآن نیز از مهم‌ترین بایدهای معرفتی است و در پردازش موضوع مقاله، بخشی از معارف قرآن کریم، یعنی منزلت و جایگاه امامت و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام از منظر قرآن، تبیین و تفسیر می‌شود.

حاصل کلام اینکه پردازش موضوع دو سویه است؛ یعنی از سویی ناظر به شناخت اهل بیت علیهم‌السلام (عترت‌شناسی از منظر قرآن) و از سویی ناظر به شناخت قرآن (قرآن‌شناسی از منظر عترت) است.

شایان ذکر است که مراد از اهل بیت علیهم‌السلام، در فرهنگ شیعه، چهارده معصوم (پیامبر، علی، فاطمه و فرزندان او علیهم‌السلام) هستند که دوازده تن از آنها اوصیای پیامبر و امامان شیعه‌اند. در این راستا ابن خزاز رازی قمی^۲ با سند متصل از ابن عباس نقل می‌کند:

فردی یهودی به نام نعثل نزد رسول خدا رفت و سؤالاتی کرد، که از جمله از اوصیای پیامبر پرسید. پیامبر فرمود: وصی و خلیفه بعد از من علی بن ابی طالب علیه‌السلام و بعد از او دو فرزندم حسن و حسین هستند که سپس نه تن از صلب حسین به عنوان امامان ابرار پی در پی خواهند آمد. فرد یهودی در ادامه تقاضا کرد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اسامی آنها را ذکر نماید و حضرت هم نام آنها را ذکر کرد.^۳

۱. برخی مانند مترجم قرن ۵، ملافتح‌الله کاشانی و فیض الاسلام «عرفاوه» را به «شناسایی و شناخت» و برخی مانند شهیدی، ارفع، دشتی و مکارم آن را به «سرپرست و تقیب» (جمع عریف) معنی کرده‌اند.

۲. شیخ علی بن محمد بن خزاز رازی قمی (م: ۴۰۰) فقیه، محدث و متکلم برجسته شیعی بود که جماعت و اهل فن، مانند نجاشی، شیخ طوسی، علامه حلی، ابن شهر آشوب او را ستوده و موثق دانسته‌اند. وی شاگرد شیخ صدوق بود و با یک واسطه، از تَلْکُبری روایت می‌کند. (ابن خزاز قمی، ۱۴۰۱: مقدمه)

۳. فأخبرني عن وصيک من هو؟ فقال صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: نعم ان وصيی و الخلیفة من بعدی علی بن ابی طالب علیه‌السلام و بعده سبطای

شیخ کلینی نیز احادیثی را درباره امامت و وصایت امامان دوازده‌گانه اهل بیت (علیهم السلام) نقل می‌کند.^۱

علاوه بر منابع شیعی، در منابع معتبر اهل سنت نیز روایاتی به چشم می‌خورد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از خلفا و امامان دوازده‌گانه دین خیر می‌دهد که همه از قریش‌اند.^۲ از این رو در بین مباحث، اگر فضیلت یا منزلتی درباره برخی معصومان (علیهم السلام) ذکر شد، درباره دیگر معصومان (علیهم السلام) نیز جریان دارد. برای مثال هر چند شأن نزول آیه تطهیر درباره پنج تن آل عبا ذکر شده و بر عصمت و طهارت آنان از گناه و لغزش گواهی می‌دهد،^۳ اما این فضیلت، بر اساس قرائن پیش‌گفته، شامل دیگر معصومان نیز می‌شود؛ البته ممکن است فضیلتی تنها به یک معصوم اختصاص داشته باشد که اثبات آن نیازمند قرینه مستقل و محکم دیگری باشد.

الحسن و الحسين تتلوه تسعة من صلب الحسين الائمة الابرار. قال: يا محمد فسّمهم لي: قال نعم اذا مضى الحسين فابنه علي، فاذا مضى فابنه محمد، فاذا مضى محمد، فابنه جعفر، فاذا مضى جعفر فابنه موسى، فاذا مضى موسى فابنه علي، فاذا مضى علي فابنه محمد، فاذا مضى محمد فابنه علي، فاذا مضى علي فابنه الحسن، فاذا مضى الحسن فابنه ابنة الحجة بن الحسن بن علي (علیهم السلام). فهذه اثنا عشر اماما علی عدد نقباء بني اسرائيل. قال: فاین مکانهم فی الجنة؟ قال: معی فی درجتي. (ابن خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۱۳ و ۱۴)

شیخ صدوق نیز در عیون اخبار الرضا (علیه السلام) روایتی با همین مضمون نقل می‌کند که در آن اسامی امامان دوازده‌گانه یاد شده است. (صدوق، ۱۴۰۴: ۲ / ۶۱)

۱. از جمله: «عن ابي جعفر قال رسول الله: من ولدي اثنا عشر نقيبا نجباء، محدثون، مفهمون آخرهم القائم بالحق يلاها عدلا كما ملئت جورا». (کلینی، ۱۳۸۸: ۱ / ۵۳۴)

۲. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) لا يزال الدين قائما حتي يكون اثنا عشر خليفة من قریش ... (ابن حنبل، بی تا: ۵ / ۸۸ - ۸۶ نیشابوری، بی تا: ۶ / ۴؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱: ۳ / ۱۲۸؛ طبرانی، بی تا: ۲ / ۱۹۹) (با اندکی اختلاف در نقل).

هرچند تعدادی از دانشمندان اهل سنت مانند ابن کثیر و ابن جوزی کوشیده‌اند مصادیقی غیر از اهل بیت نبوت (علیهم السلام) را برای این حدیث بیان کنند؛ اما به نظر می‌رسد در این امر موفق نبوده‌اند. جهت آگاهی از تفصیل موضوع بنگرید به: عسکری، ۱۴۱۰: ۱ / ۲۲۴ - ۲۲۲)

۳. برخی دانشمندان شیعه و سنی که آیه تطهیر را ناظر به پنج تن آل عبا دانسته‌اند، عبارتند از: (کلینی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۸۷؛ تمیمی مغربی، ۱۹۶۳: ۱ / ۳۷؛ ثقفی، بی تا: ۱۹۹؛ ابن حنبل، بی تا: ۱ / ۳۳۱؛ نیشابوری، بی تا: ۷ / ۱۳۰؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ۵ / ۳۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۲ / ۴۱۶)

بررسی شواهد نهج البلاغه

محور بحث در این نوشتار، بررسی دو عبارت از نهج البلاغه (یکی در خطبه ۸۷ و دیگری در خطبه ۱۵۳) است.

الف) شاهد اول

در نهج البلاغه آمده است:

و بینکم عتره نبیکم و هم ازمة الحق و اعلام الدین و السنة الصدق، فانزلوهم باحسن منازل القرآن ... (شریف رضی، بی تا: خ ۸۷)
اهل بیت پیامبر ﷺ میان شما هستند؛ آنها که زمامداران حق، پیشوایان دین و زبان‌های راستگوی‌اند، پس باید آنها را در بهترین منازل قرآن جای دهید.

شاهد مورد نظر عبارت «فانزلوهم باحسن منازل القرآن» می‌باشد.

۱. دیدگاه محققان و مترجمان

درباره این عبارت محققان و مترجمان معنای متفاوتی را ارائه نموده‌اند، مانند:

حرمت اهل بیت ﷺ را همچون قرآن باید حفظ نمود. (سید رضی، ۱۳۷۸
الف و د؛ همو، ۱۳۷۹ ب)
اهل بیت ﷺ را باید در بهترین جایی که قرآن در آن حفظ می‌شود یعنی دل‌ها و قلوب پاک، جای داد و آنان را دوست داشت. (سید رضی، بی تا الف؛
همو، ۱۳۷۹ الف)
اهل بیت ﷺ را در بهترین منازل قرآن و خوب‌ترین منزل‌های آن فرود
آورید. (سید رضی، ۱۳۷۷)

در این میان ابن ابی‌الحدید معتزلی می‌نویسد:

سرّ عظیمی در این کلام امام ﷺ هست؛ اینکه حضرت به همه مکلف‌ها امر می‌کند در بزرگداشت و تعظیم اهل بیت ﷺ و اطاعت اوامر آنها، مانند قرآن، کوشا باشند. (ابن ابی‌الحدید، بی تا: ۶ / ۳۷۶، ذیل خ ۸۶)

ابن میثم بحرانی مراد کلام حضرت را ضرورت اکرام، محبت و بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام می‌داند و این گونه استدلال می‌کند: قرآن منازل گوناگونی دارد:

۱. قلب که خود دو منزل دارد؛ یکی منزلت اکرام و تعظیم و دیگری منزلت تصور (جای دادن قرآن) بدون تعظیم.

۲. منزلت لسانی و لفظی که با تلاوت محقق می‌شود.

۳. منزلت در دفاتر و کتاب‌ها.

بهترین منازل، همان منزلت قلب است، پس منظور توصیه به اکرام و محبت و بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام است ... (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۲ / ۳۰۰، ذیل خ ۸۴)

به نظر می‌رسد مراد ابن میثم این است که اکرام و تعظیم اهل بیت علیهم السلام نباید تنها در نوشتجات و گفته‌ها خلاصه شود، بلکه آنها را باید به صورت قلبی و حقیقی دوست داشت و تعظیم و اکرام نمود.

بیشتر شارحان نهج البلاغه نیز مراد امام علیه السلام را همین مضمون دانسته‌اند. برای مثال نواب لاهیجی می‌نویسد:

منزل بدهید ایشان را در بهترین منزل از منزل‌های قرآن؛ یعنی محبت ایشان را در دل‌های شما جا بدهید و دل بهترین منزلست از منزل‌های قرآن؛ زیرا که منزل به معنی قرآن دلست. اگرچه قرآن در کتاب و در لفظ نیز منزل دارد. (نواب لاهیجی، بی تا: ۸۵)

سید محمد شیرازی (حسینی شیرازی، بی تا: ۲ / ۲۰) و سید عباس موسوی (موسوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۳۰) نیز در شروح خود، بهترین منزل قرآن را قلب و مراد امام را محبت و اکرام اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند.

محمد جواد مغنیه ذیل کلام امام علیه السلام، منازل و مراتبی برای قرآن ذکر می‌کند، مانند: حفظ قرآن، تلاوت نیک، فهم مراد. اما بهترین آنها را فهم و عمل به آموزه‌ها و احکام آن می‌شمارد و آن را مراد حضرت می‌داند؛ یعنی اینکه درباره اهل بیت علیهم السلام باید بهترین منازل (معرفت و اطاعت آنها) را جاری کرد. (مغنیه، ۱۹۷۲: ۱ / ۴۳۷، ذیل خ ۸۵)

در شرح پیام امام آمده است:

قرآن، گاه بر زبان انسان جاری می‌شود و گاه در عمل او ظاهر می‌گردد و گاه در عمق روح و جان او، جای می‌گیرد و تمام وجودش را روشن می‌کند. بهترین جایگاه قرآن از این سه محل، همان جایگاه اخیر است، جمله بالا می‌گوید: «محبّت اهل بیت پیامبر ﷺ را در عمق روح و جان خود پذیرا شوید! همان گونه که بهترین جایگاه قرآن روح و جان شماست.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳ / ۵۷۸)

ظاهراً در این عبارت همان قول ابن میثم اختیار شده است.

در این میان تنها نظر محمد تقی شوشتری متفاوت به نظر می‌رسد. وی مراد امام را ناظر به آیات کریمه‌ای می‌داند که از فضایل و مناقب اهل بیت ﷺ سخن می‌گوید. شوشتری به دوازده آیه قرآن اشاره می‌کند که به شأن اهل بیت ﷺ مربوط می‌شوند؛ که از جمله آنها می‌توان به آیات اولی الامر (نساء / ۵۹)، تطهیر (احزاب / ۳۳)، مودت (شوری / ۲۳)، مباحله (آل عمران / ۶۱)، اهل الذکر (نحل / ۴۳) اشاره کرد. (شوشتری، ۱۳۷۶: ۳ / ۵۱۵ - ۵۰۷)

۲. نقد و تحلیل

یک. نقد معانی نقل شده

همان‌گونه که گذشت ترجمه‌های عبارت یاد شده یکسان نبود. ترجمه اول (= حرمت اهل بیت را همچون قرآن باید حفظ نمود) معنای التزامی عبارت است و از معنای مطابقی دور شده است؛ در عین حال این معنا کلی و بدیهی است. در ترجمه دوم (= اهل بیت را باید در بهترین جایی که قرآن در آن حفظ می‌شود، یعنی دل‌ها و قلوب پاک جای داد و آنان را دوست داشت) و ترجمه سوم (= اهل بیت را در بهترین منازل قرآن و خوب‌ترین منزل‌های آن فرود آورید)، هر دو معنا محتمل و محل تأمل است.

شارحان نهج البلاغه نیز مانند ابن میثم بحرانی و ابن ابی‌الحدید معتزلی، کلام امام را بر اساس منازل (جمع منزل) به معنای محل نزول، مأوی، جایگاه و مانند آن معنا کرده‌اند،

و به نظر می‌رسد دیگر شارحان و مترجمان نیز کلام امام (علیه السلام) را بر همین اساس معنا کرده‌اند، یعنی عبارت «باحسن منازل القرآن» را قلب انسان معنا کرده‌اند، لذا مراد امام را این‌گونه توضیح داده‌اند که اهل بیت را باید در بهترین و پاک‌ترین مکان‌ها؛ یعنی قلب جای داد و به آنها عشق و محبت ورزید و به تمجید و اکرام ظاهری و لفظی آنها بسنده نکرد.

این تحلیل معنایی، سنگ‌بنای بسیاری از اقوال مترجمان و شارحان است، با این حال به نظر می‌رسد این معنا شاید یکی از معانی کلام امام و ضعیف‌ترین احتمال باشد. توضیح: واژه «منازل» جمع منزل یا منزلة، به معنای محل نزول، بیت، فرودگاه، جایگاه و درجه است. لغویون در این باره می‌نویسند:

المنزل: المنهل و الدار و المنزلة مثله و المنزلة: المرتبة، لا تجمع. (جوهری، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۸۲۸)

المنزلة موضع النزول و الدرجة و لا تجمع. (فیروز آبادی، ۱۴۰۷: ۴ / ۵۷)
المنزل: المرتبة و منه فلان ذو منزل عند السلطان. (طریحی، ۱۴۰۸: ۴ / ۲۹۶)
نیز ر.ک به: استرآبادی، ۱۹۷۵: ۴ / ۳۹۷؛ مهیار، ۱۳۷۰: ذیل واژه منزل)

منازل به صورت اسم اشخاص نیز به کار می‌رود، مانند منازل بن فرعان شاعر، عبدالله بن محمد بن منازل الضبی النیسابوری و عبدالواحد بن الحسن بن منازل القزاز. (ر.ک. به: زبیدی، بی تا: ۸ / ۱۳۴)

علاوه بر معنای محل نزول، به معنای رتبه، درجه و منزلت نیز می‌باشد؛ اما در مورد اینکه برخی مانند جوهری و فیروزآبادی «منزلة» را قابل جمع ندانسته‌اند (جوهری، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۸۲۸؛ فیروز آبادی، ۱۴۰۷: ۴ / ۵۷) باید گفت مراد جمع مؤنث سالم است؛ نه جمع مکسر. زبیدی در تاج العروس به این نکته اشاره نموده است. (زبیدی، بی تا: ۸ / ۱۳۴) بنابراین «منازل» جمع مکسر «منزل» و «منزلة» است و در دو معنای اساسی (= محل نزول، مقام و رتبه) به کار می‌رود؛ ولی بررسی روایات و آثار متقدمان^۱ نشان

۱. در این باره می‌توان به روایات ذیل اشاره کرد که منازل در آنها به معنای مقامات و مراتب به کار رفته است:

می‌دهد که وقتی واژه منازل در امور معنوی به کار می‌رود، بیشتر مقام، مرتبه و فضیلت را می‌رساند و به دور از معنای محل نزول و مانند آن است. این واژه در نهج البلاغه نیز به معنای درجه و مقام به کار رفته است، مانند:

نسال الله منازل الشهداء و معايشة السعداء. (شريف رضى، بی تا: خ ۲۳)
 از خداوند درجات شهدا و همجواری با اهل سعادت را می‌خواهیم.
 جعلنا الله و اياکم ممن یسعی بقلبه الی منازل الابرار برحمة. (همان: خ ۱۶۵)
 خداوند به رحمت خویش ما و شما را از کسانی قرار دهد که قلباً به سوی مراتب و مقامات ابرار حرکت کنند.

روشن است که «منازل الشهداء» و «منازل الابرار» در این عبارات به معنای درجه و مراتب شهدا و ابرار به کار رفته است؛ بنابراین معنای محل نزول برای واژه «منازل» در کلام امام بعید به نظر می‌رسد و بر این اساس این معنا که «اهل بیت (علیهم السلام) را در بهترین منازل قرآن یعنی قلب (= محل نزول و جای دادن قرآن) قرار دهید و در تکریم و تعظیم آنها کوشا باشید» دورترین معنا از کلام امام باشد، از این رو باید به دنبال معنای دیگری باشیم که در آن معنای مقام و درجه و رتبه از واژه منازل ظهور و بروز دارد.

دو. در جستجوی معانی جدید

معنای اول: اهل بیت (علیهم السلام) را در بهترین فضایل و مقاماتی که در آیات قرآن کریم است، فرود آورید و در آنجا قرار دهید.

۱. عن مولانا ابي عبدالله (علیه السلام) انه قال: «اعرفوا منازل الرجال علی قدر رواياتهم عنا». (حمیری، بی تا: ۲۱؛

الکلبینی، ۱۳۸۸: ۱ / ۵۰)

۲. قال امیرالمؤمنین علی بن ابي طالب (علیه السلام): «تعلموا العلم، فان تعلمه حسنة، و مدارسته تسبیح ... ینزل الله حامله منازل الابرار، و ینحہ مجالسة الاخيار فی الدنيا و الآخرة، بالعلم یتطاع الله و یعبده، و بالعلم یعرف الله». (صدوق،

۱۴۱۷: ۷۱۳)

شیخ طوسی نیز در کلامی با اشاره به حدیث منزلت، «منازل» را به معنای مقامات و مراتب و جمع واژه «منزلة» گرفته است. (طوسی، ۱۴۰۰: ۲۲۲)

تجلی مرتبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن در آینه نهج البلاغه □ ۱۲۱

در این معنا، حرف «فی» در عبارت «منازل القرآن» در تقدیر می‌باشد و مراد امام این است که اهل بیت علیهم السلام مصادیق انحصاری یا اتم آیات حسناى الهی‌اند و فضایل و مکارم والای انسانی و اخلاقی را دارند. به دیگر بیان، عصمت در آیه تطهیر (احزاب / ۳۳)، ولایت در آیه اولی الامر (نساء / ۵۹)، انفاق و گذشت در آیات هل اتی (دهر / ۵)، ایشار و فداکاری در آیه لیلۃ المبیّت (بقره / ۲۰۶) و بسیاری دیگر از آیات قرآن محل تجلی مقام‌های اهل بیت علیهم السلام می‌باشند. برای مثال بیشتر دانشمندان شیعی و سنی آیه تطهیر را ناظر به جریان کساء و عظمت پنج تن آل عبا دانسته‌اند. (کلینی، ۱۳۸۸: ۱ / ۲۸۷؛ تمیمی مغربی، ۱۹۶۳: ۱ / ۳۷؛ ثقفی، بی تا: ۱۹۹؛ ابن حنبل، بی تا: ۱ / ۳۳۱؛ نیسابوری، بی تا: ۷ / ۱۳۰. ترمذی، ۱۴۰۳: ۵ / ۳۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶: ۲ / ۴۱۶)

همان‌گونه که گذشت تنها محمد تقی شوشتری به این معنا اشاره کرده و دوازده آیه در این راستا ذکر کرده است که در شأن فضایل اهل بیت علیهم السلام می‌باشند. (شوشتری، ۱۳۷۶: ۳ / ۵۱۵ و ۵۰۷)

معنای دوم: اهل بیت علیهم السلام را در منازل و مراتبی بهتر از منازل قرآن کریم جای دهید. «احسن» در اینجا به معنای صفت تفضیلی است و حرف تقدیر در «منازل القرآن»، حرف «من» می‌باشد. در این صورت مراد امام این خواهد بود که هر مقام و منزلتی که برای قرآن کریم متصور است، بهتر از آن را برای قرآن قرار دهید. برای مثال اگر قرآن کلام الله صامت باشد، اهل بیت علیهم السلام کلام الله ناطق خواهند بود. شاید مراد دانشمند قرن ۶ در ترجمه «فانزلوهم باحسن منازل القرآن» به «پس فرو آریدشان به خوب‌تر منزل‌های قرآن» (جوینی، همان) و معنا کردن «احسن» به صورت صفت تفضیلی همین معنای دوم باشد.

معنای سوم: اهل بیت علیهم السلام را در بهترین فضایل و مقاماتی که برای قرآن کریم متصور است، قرار دهید.

در اینجا حرف «لام» در عبارت «منازل القرآن» در تقدیر است؛ یعنی «احسن منازل للقرآن الکریم». در این صورت مراد امام این است که مقامات قرآن، مانند عصمت، هدایت

و تبیان، قدسی و نورانی بودن، درباره اهل بیت نیز جاری است و قرآن و سنت، حقایق و فضائل مشترکی دارند.

سه: بررسی معانی جدید

به نظر می‌رسد معنای اول و سوم مناسب‌تر و به مراد امام علیه السلام نزدیک‌تر باشند. معنای اول ناظر به تجلی فضائل و مراتب اهل بیت در آیات قرآن است؛ به گونه‌ای که اهل بیت در بهترین و والاترین مراتب و مقامات آیات جای می‌گیرند.

معنای سوم نیز به اشتراک و برخورداری از تمام فضائل و مقاماتی ناظر است که برای قرآن کریم شمرده می‌شود. به عبارت دیگر، معنای اول ناظر به منزلت «درون قرآنی» اهل بیت و معنای سوم ناظر به منزلت «برون قرآنی» آنان است.

ب) شاهد دوم

در نهج البلاغه آمده است:

فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن. (شریف رضی، بی تا: خ ۱۵۴)
آیات قرآن آنچه در مدح و منقبت علم و هدایت است، درباره ایشان نازل شده و آنان گنج‌های خداوند بخشنده هستند.

عبارت «فیهم کرائم القرآن» شاهد محل بحث است که می‌تواند به موضوع منزلت اهل بیت ناظر باشد؛ بدین معنا که امام آیات کریمه قرآن را در شأن اهل بیت و قرآن کریم را ظرف معرفی کرامات و مقامات آنها معرفی می‌کند.

۱. تأمل سندی

عبارت «کرائم القرآن» در نسخه‌ها و شروح قدیمی نهج البلاغه به چشم نمی‌خورد؛ آنچه در نسخه خطی (ابن مؤدب، ش ۳۸۲۷: ۱۲۹، خ ۱۵۴)، ابن میثم بحرانی^۱ (۱۳۶۲: ۳ /

۱. هرچند در متن «کرائم القرآن» آمده، اما آنچه شرح شده و ابن میثم بدان پرداخته، عبارت «کرائم الایمان»

تجلی مرتبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن در آینه نهج البلاغه □ ۱۲۳

(۲۴۹)، ابن ابی الحدید معتزلی (بی تا: ۹ / ۱۷۵، خ ۱۵۴)، قطب الدین راوندی (۱۳۶۴: ۲ / ۸۹)، کبیری بیهقی (۱۳۷۵: ۱ / ۶۷۳)، ترجمه نهج البلاغه (جوینی، همان: ۱ / ۳۰۵)، نواب لاهیجی (بی تا: ۱۴۱)، ملافتح الله کاشانی، (سید رضی، ۱۳۷۸: ۱ / ۷۸) و صوفی تبریزی (۱۳۷۸: ۱ / ۵۲۹) آمده، عبارت «کرائم الایمان» است و عبارت «کرائم القرآن» تنها در نسخه‌های معاصر مانند عبده (بی تا: ۲ / ۴۴، خ ۱۴۹)، صبحی صالح (بی تا: ۲۱۵، خ ۱۵۴)، میرزا حبیب الله خویی^۱ (۱۳۸۵: ۹ / ۲۳۹)، فیض الاسلام (سید رضی، ۱۳۷۹ الف: ۴۸۰، خ ۱۵۳) و به تبع آن در ترجمه‌هایی مانند مکارم شیرازی، مبشری، شهیدی، ارفع و احمدزاده به چشم می‌خورد.^۲

تا جایی که نگارنده بررسی کرده عبارت «فیهم کرائم الایمان» در هیچ یک از منابع روایی، تفسیری و تاریخی مشاهده نشد و تنها علی بن محمد لیثی واسطی (قرن ششم) در عیون الحکم و المواعظ عبارت «هم کرائم الایمان و کنوز الرحمان» را بدون اشاره به سند آن نقل کرده است. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱ / ۱۵۴، ح ۷۸)

از سوی دیگر، عبارت «کرائم القرآن» در بسیاری از منابع متقدم و معتبر اسلامی از سوی معصومان علیهم السلام درباره اهل بیت علیهم السلام به کار رفته است، مانند:

۱. احمد بن محمد خالد برقی (م: ۲۷۴ ق) با سند خود به نقل از امام صادق علیه السلام

می‌نویسد:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من مات و هو لایعرف امامه مات میتة جاهلیة» فعلیکم

است، ابن میثم می‌نویسد: «اقول: الاشارة الى فضائل اهل بیت علیهم السلام، فالاولی فیهم کرائم الایمان». این امر گویای آن است که آنچه در نسخه اصلی ابن میثم بوده و ملاک شرح قرار گرفته، عبارت «کرائم الایمان» است. بر این اساس، نگارنده بر این باور است که در نسخه‌های قدیمی تر شرح ابن میثم، عبارت «کرائم الایمان» در متن باشد؛ هرچند در برخی از چاپ‌های موجود، عبارت «کرائم القرآن» دیده می‌شود.

۱. وی به عبارت کرائم الایمان هم توجه دارد.

۲. اینکه نسخه‌های معاصر بر اساس چه نسخه‌ای عبارت یادشده را آورده‌اند، قابل تأمل است. شاید آنها از جمله عبده یا صبحی صالح، به نسخه ابن میثم رجوع کرده‌اند، اما توجه نداشته‌اند که به رغم متن روایت، آنچه در شرح مورد توجه وی بوده و شرح شده عبارت «کرائم الایمان» بوده است.

بالطاعة... لنا كرائم القرآن و نحن اقوام افترض الله طاعتنا و لنا الانفصال و لنا صفو المال». (برقی، بی تا: ۲ / ۳۵۳)

۲. تمیمی مغربی (م: ۳۶۳ ق) در شرح الاخبار (بی تا: ۴۷)؛ فرات کوفی (م: ۳۵۲ ق) در تفسیر خود (۱۴۱۰: ۴۷)؛ حاکم حسکانی (قرن پنجم) در شواهد التنزیل (۱۴۱۱: ۱ / ۵۷)؛ ابن ابی الفتح اربلی (م: ۴۹۳ ق) در کشف الغمة (۱۹۸۵: ۱ / ۳۲۱)؛ علامه حلی (م: ۷۲۱ ق) در کشف الیقین (۱۴۱۱: ۳۵۴) و سلیمان بن ابراهیم قندوزی (م: ۱۲۹۴ ق) در ینابیع المودة (۱۴۱۶: ۱ / ۳۷۷) به نقل از اصیغ بن نباته از امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام آورده‌اند:

نزل القرآن ارباعا فربع فینا و ربع فی عدونا و ربع سیر و امثال و ربع فرائض و احکام و لنا کرائم القرآن.

عیاشی (م: ۳۲۰ ق) در تفسیرش این حدیث را از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند. (بی تا: ۱ / ۹) فرات کوفی در تفسیر به نقل از ابن عباس می‌نویسد:

قال النبي ﷺ: ان الله تعالى انزل في علي كرائم القرآن. (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۴۷)

۴. شاذان بن جبرئیل قمی (م: ۶۶۰ ق) در کتاب الفضائل از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر خدا ﷺ به مردم فرمود:

اعلموا ان القرآن اربعة ارباع ربع فينا اهل البيت و ربع قصص و امثال و ربع فرائض و انذار و ربع احکام و الله انزل في علي كرائم القرآن. (ابن جبرئیل، ۱۳۸۱: ۱۲۵)

در مقدمه آثار زعمای شیعه مانند شیخ صدوق و شیخ مفید نیز مضامینی به چشم می‌خورد که سند و صحت عبارت «فیهم کرائم القرآن» را بیشتر تقویت می‌کند^۱ و کاربرد

۱. بخشی از کلام شیخ صدوق و شیخ مفید در مقدمه آثارشان: «و الصلاة علی رسولہ الامین و علی عترته اعلام

تجلی مرتبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن در آینه نهج البلاغه □ ۱۲۵

این عبارت در آثار بزرگان متقدم و از سویی به کار نبردن عبارت «کرائم الایمان» در منابع روایی و غیر روایی خود قرینه‌ای قابل توجه به شمار می‌رود، از این رو آنچه در نهج البلاغه به چشم می‌خورد، یک نقل شاذ است و آنچه جوامع روایی و آثار زعمای شیعه نقل شده، عبارت «کرائم القرآن» می‌باشد.

نتیجه اینکه دو احتمال وجود دارد:

(۱) صدور عبارت «کرائم الایمان» از امام و صحت آن؛ هر چند تنها نهج البلاغه و عیون الحکم و المواعظ آن را نقل کرده باشند.

(۲) اشتباه در ضبط واژه؛ یعنی به جای واژه «القران»، «الایمان» ضبط شده باشد که ظاهراً از سوی سیدرضی رخ داده و دیگران نیز مانند ابن مؤدب، ابن میثم، ابن ابی الحدید، به تبع نسخه اصلی، عبارت «کرائم الایمان» را آورده باشند.

به نظر می‌رسد با توجه به قرائن پیش‌گفته، احتمال دوم به واقع نزدیک‌تر باشد؛ چراکه عبارت «کرائم الایمان» پشتوانه سندی و مصدوری ندارد و اشتباه سید رضی در ضبط و نگارش یک واژه نیز می‌تواند امری طبیعی دانسته شود.

۲. تحلیل معنایی

الف) از نگاه مترجمان

بیشتر مترجمان که عبارت «فیهم کرائم القرآن» را به رغم نسخه‌های متقدم آورده‌اند، آن را به «فیهم آیات کریمه» معنا کرده‌اند، مانند:

آنها مصداق آیات کریمه قرآن هستند. (سید رضی، ۱۳۷۹ ب)

در حق ایشان است آیات کریم قرآن. (سید رضی، ۱۳۷۸ د)

درباره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله آیات کریمه قرآن نازل شد. (سید رضی، ۱۳۷۹ ج)

آیات کریمه قرآن همه در شأن اهل بیت است. (سید رضی، ۱۳۷۴ ب)

درباره آنها آیات کریمه قرآن نازل شده است. (سید رضی، بی تا الف)

آیات کریمه قرآن درباره ایشان نازل شده. (سید رضی، بی تا ب)

الذین الذین فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن». (صدوق، بی تا: ۱/ ۳) «والصلاة والسلام علی سید الانس و

الجان محمد المصطفی و علی آله الذین هم کنوز الرحمن و فیهم کرائم القرآن». (مفید، ۱۴۰۳: ۲۵)

ب) بررسی معنا

به نظر می‌رسد این معانی دقیق نیستند و نسبت به ارائه تصویر حقیقی از منزلت اهل بیت علیهم‌السلام، نقص دارند.

توضیح اینکه واژه «کرائم» از ریشه «کرم» است. «کرم» هم در اصل به معنای بزرگی، ارزش و عزت می‌باشد. (جوهری، ۱۴۰۷: ۵ / ۲۰۱۹) در همین راستا «کریم» را که یکی از صفات خداوند متعال است، به معنای جامع خیر، شرف، فضیلت آورده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۵۱۰) و در مورد انسان‌ها، به کسی کریم یا کریمه گفته می‌شود که اهل خیر، بخشش و بزرگواری باشد؛ البته چند معنای دیگر نیز برای آن ذکر کرده‌اند. (مهیار، ۱۳۷۰: ۷۲۷)

نکته قابل توجه این است که علامت تأنیث (تای گرد) در وزن (فعلیل) گاهی نشانه تأنیث است؛ چنان که ابن عقیل همدانی (م: ۷۶۹ ق) مثال «امراة کریمه» را برای آن ذکر می‌کند. (ابن عقیل، بی تا: ۲ / ۴۳۱) گاهی نیز علامت تأنیث برای مبالغه است. جوهری و ابن اثیر جزری درباره واژه «کریمه» به این نکته اشاره کرده‌اند. (جوهری، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۳۳۲؛ ابن اثیر، بی تا: ۴ / ۱۶۷) بنابراین «کریمه» گاهی به معنای تأنیث و گاهی به معنای مبالغه به کار می‌رود.

نکته مهم‌تر اینکه معنای تأنیثی جمع آن، «کریمات» به معنای زنان بزرگوار و بخشنده و در معنای مبالغه‌ای جمع آن، «کرائم» به معنای والاترین، نفیس‌ترین و برترین است؛ امری که مورد توجه شارحانی چون ابن ابی‌الحدید و ابن میثم و لغویونی چون ابن منظور بود. (ابن ابی‌الحدید، بی تا: ۹ / ۱۷۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۵۱۳؛ ابن میثم، ۱۳۶۲: ۳ / ۲۴۹؛ صوفی تبریزی، ۱۳۷۸: ۱ / ۵۲۹)، از این رو نه تنها یکی از معانی، بلکه تنها معنایی که می‌توان برای «کرائم القرآن» به کار برد، والاترین و شریف‌ترین آیات قرآن است.

«کرائم» در نهج‌البلاغه نیز در همین معانی به کار رفته است؛ چنان که در تعبیراتی مانند «و اریتمکم کرائم الاخلاق من نفسی» (شریف رضی، بی تا: خ ۸۷) و «تناسختم کرائم الاصلاح الی مطهرات الارحام» (همان: خ ۹۴)؛ «کرائم الاخلاق» و «کرائم الاصلاح» به

ترتیب به معنای «بهترین و نیکوترین مکارم اخلاقی» و «بهترین و نیکوترین صلب‌ها» آمده است.

بررسی در منابع اسلامی نشان می‌دهد که اساساً واژه «کرائم» جز به معنای مبالغه‌ای آن به کار نرفته و همواره در معنای برترین، نفیس‌ترین، والاترین و مانند آن استعمال شده است.^۱

بر این اساس، عبارت «فیهم کرائم القرآن» یا «لنا کرائم القرآن» به معنای اختصاص آیات کریمه به اهل بیت (علیهم السلام) - چنان که بیشتر مترجمان آورده‌اند - نیست؛ بلکه منظور اختصاص بهترین و نیکوترین آیات قرآن به اهل بیت (علیهم السلام) است.

به عبارت دیگر، مراد روایات این است که شریف‌ترین و والاترین آیات قرآن و به تبع آن، فضائل و مقامات و مراتب نهفته در آنها، در شأن اهل بیت (علیهم السلام) است و آنان یا مصادیق انحصاری آیات هستند، مانند آیه تطهیر (احزاب / ۳۳)، آیه ولایت (مائده / ۵۵) و یا مصادیق اتم آن می‌باشند، مانند آیه «کونوا مع الصادقین». (توبه / ۱۱۹)

۱. برخی شواهد در منابع روایی عبارت‌اند از:

یک. روی ان امیر المؤمنین (علیه السلام): کان اذا قطع الید قطع أربع أصابع و ترک الکف، و الراحة، و الایهام، و إذا أراد قطع الرجل قطعها من الکعب و ترک العقب، فقیل له: لم هذا یا امیر المؤمنین؟ قال: انی لاکره ان تدرکه التوبة فیحتج علی عندالله انی لم أدع له من کرائم بدنه ما یرکع به و یسجد. (سید رضی، ۱۴۰۶: ۸۵) در اینجا منظور از «کرائم بدنه»، شریف‌ترین و برترین عضو بدن است. دو. قال ابن عباس هذا من کرائم الحدیث و غرره. (طبرانی، بی تا ب: ۱۱ / ۱۷۳) یعنی برترین و شریف‌ترین حدیث.

سه. عن عائشة أن النبی (صلی الله علیه و آله) قال ألا اولکم علی کرائم الاخلاق للذنی و الآخرة. (سیوطی، ۱۳۶۵: ۳ / ۱۵۴) که به معنای بهترین اخلاق به کار رفته است.

چهار. واف بی عرصه الاولین و تم سبوغ نعمتک علی، و ظاهر کراماتها لدی، املا من فوائدک یدی، و سق کرائم مواهبک الی. (امام سجاده (علیه السلام)، ۱۴۱۱: ۲۷۴) در اینجا منظور بخشش‌ها و نعمت‌هاست. پنج. خذوا من کرائم أموالکم ما یرفع لکم به الله سنی الاعمال. (لیثی، ۱۳۷۶: ۲۴۳) مراد از «کرائم اموال» بهترین و نفیس‌ترین اموال است.

نتیجه‌گیری

در عبارت «فانزلوهم باحسن منازل القرآن»، منازل جمع منزلت، به معنای رتبه، مقام و درجه است و کلام امام علی علیه السلام می‌تواند با توجه به تقدیر سه حرف و معنای «فی»، «لام» و «من» در عبارات اضافی، به تجلی مراتب و مقامات اهل بیت در قرآن یا اشتراک و همسانی اهل بیت در برخورداری از مقامات قرآن ناظر باشد؛ موضوعی که بیشتر شارحان و مترجمان نهج البلاغه اشاره‌ای بدان ننموده‌اند.

دیگر اینکه، چون عبارت «فیهم کرائم القرآن» در نسخه‌های معتبر و پیشین نهج البلاغه به چشم نمی‌خورد و عبارت «کرائم الایمان» به جای آن آمده است و با نظر داشتن به قرائن دیگر، به نظر می‌رسد سید رضی در ضبط واژه اشتباه کرده و واژه «الایمان» را به جای «القرآن» آورده است.

هر چند در غالب موارد عبارت «فیهم کرائم القرآن» به صورت «فی اهل بیت آیات کریمه» معنا شده و در کرائم (جمع کریمه) معنای تأییدی آن لحاظ شده، اما قرائن لغوی و روایی حکایت از آن دارد که اساساً «کرائم» به معنای مبالغه‌ای و تفضیلی می‌باشد. بر این اساس، معنای کلام امام آن است که بهترین و والاترین آیات و مقامات آن در شأن اهل بیت نبوت می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. شریف رضی (گردآورنده)، بی تا، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الهجرة.
۲. امام سجاد علیه السلام، علی بن حسین، ۱۴۱۱ ق، الصحیفة السجادیة، قم، مؤسسه الامام المهدي علیه السلام.
۳. ابن ابی الحدید، عزالدین، بی تا، شرح نهج البلاغه، تصحیح ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴. ابن ابی عاصم، ضحاک، ۱۴۱۱ ق، الاحاد و المثانی، تحقیق باصل فیصل، ریاض، دارالدرایة.

۵. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، بی‌تا، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، بیروت، المكتبة العلمية.
۶. ابن تیمیه الحرانی، احمد، ۱۴۰۶ ق، *منهاج السنة النبوية*، بی‌جا، مؤسسة قرطبة.
۷. ابن جریریل قمی، شاذان، ۱۳۸۱ ق، *الفضائل*، نجف، مكتبة الحيدرية.
۸. ابن حنبل، احمد، بی‌تا، *مسند*، بیروت، دارصادر.
۹. ابن خزاز قمی، علی بن محمد، ۱۴۰۱ ق، *كفاية الاثر في النص على الائمة الاثنى عشر*، تحقیق سید عبداللطیف کوه‌کمری، قم، بیدار.
۱۰. ابن عقیل همدانی، عبدالله، بی‌تا، *شرح ابن عقیل*، بی‌جا، بی‌نا.
۱۱. ابن مؤدب قمی، (نسخه خطی) قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ش ۳۸۲۷.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. ابن میثم بحرانی، علی، ۱۳۶۲، *شرح نهج البلاغه*، بی‌جا، نشر کتاب.
۱۴. _____، ۱۳۷۵، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۵. اربلی، ابن ابی‌الفتح، ۱۹۸۵ م، *كشف الغمة*، بیروت، دارالاضواء.
۱۶. استرآبادی، محمد، ۱۹۷۵ ق، *شرح شافیه ابن حاجب*، بیروت، دارالکتب العلمية.
۱۷. اسکافی معتزلی، ابی‌جعفر، بی‌تا، *المعیار و الموازنة*، تحقیق محمد باقر محمودی، بی‌جا، بی‌نا.
۱۸. انواری، جعفر، ۱۳۸۴، *انگاره تحریف قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۹. برقی، احمد بن محمد، بی‌تا، *محاسن*، قم، دار الکتب الاسلامیة.
۲۰. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۰۳ ق، *سنن*، بیروت، دارالفکر.
۲۱. تمیمی مغربی (قاضی نعمان)، نعمان، ۱۹۶۳ م، *دعائم الاسلام*، قاهره، دارالمعارف.
۲۲. _____، بی‌تا، *شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار*، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۳. ثقفی، ابراهیم بن محمد، بی‌تا، *الغارات*، تحقیق سید جلال‌الدین محدث ارموی، بی‌جا، بهمن.

۲۴. جوهری، اسماعیل، ۱۴۰۷ ق، *الصحاح*، تحقیق احمد عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
۲۵. حاکم حسکانی، عیبالله، ۱۴۱۱ ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البیت*، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.
۲۶. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، ۱۴۰۶ ق، *مستدرک علی الصحیحین*، تحقیق یوسف مرعشلی، بیروت، دارالمعرفة.
۲۷. حسینی شیرازی، سیدمحمد، بی تا، *توضیح نهج البلاغه*، تهران، دار تراث الشیعة.
۲۸. حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۱ ق، *کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین*، تحقیق حسین درگاهی، طهران، نشر محقق.
۲۹. حمیری، عبدالله بن جعفری، بی تا، *قرب الاسناد*، تهران، مکتبه نبوی.
۳۰. خویی هاشمی، میرزا حبیبالله، ۱۳۸۵، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تهران، مکتبه الاسلامیة.
۳۱. خویی، سیدابوالقاسم، بی تا، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۳۲. راوندی، قطبالدین، ۱۳۶۴، *منهاج البراعة*، تصحیح سید عبداللطیف کوه کمری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۳. رجب البرسی، رضی الدین، ۱۴۲۶ ق، *۵۰۰ آیه نزلت فی امیر المؤمنین علیّه السلام*، قم، دار المجتبی علیّه السلام.
۳۴. زبیدی، محمد، بی تا، *تاج العروس*، بیروت، مکتبه الحیاء.
۳۵. سرخسی، علی بن ناصر، ۱۳۶۶، *اعلام نهج البلاغه*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۶. سید رضی (موسوی)، محمد، ۱۳۶۶، *نهج البلاغه*، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۳۷. _____، ۱۳۷۴ الف، *پرتوی از نهج البلاغه*، ترجمه سید محمود طالقانی، پژوهش سید مهدی جعفری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- تجلی مرتبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن در آینه نهج البلاغه □ ۱۳۱
۳۸. _____ ، ۱۳۷۴ ب، *نهج البلاغه*، ترجمه عبدالمجید معادینخواه، قم، نشر ذره.
۳۹. _____ ، ۱۳۷۷، *نهج البلاغه با ترجمه فارسی*، مترجم نامعلوم (قرن پنجم)، تصحیح عزیزالله جوینی، تهران، دانشگاه تهران.
۴۰. _____ ، ۱۳۷۸ الف، *نهج البلاغه*، ترجمه ناصر احمدزاده، تهران، اشرفی.
۴۱. _____ ، ۱۳۷۸ ب، *نهج البلاغه*، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۲. _____ ، ۱۳۷۸ ج، *تنبيه الغافلین*، ترجمه و شرح ملافتح الله کاشانی، تهران، پیام حق.
۴۳. _____ ، ۱۳۷۸ د، *نهج البلاغه*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۴۴. _____ ، ۱۳۷۹ الف، *نهج البلاغه*، ترجمه و شرح سید علینقی فیض الاسلام، تهران، فقیه.
۴۵. _____ ، ۱۳۷۹ ب، *نهج البلاغه*، ترجمه سید کاظم ارفع، تهران، فیض کاشانی.
۴۶. _____ ، ۱۳۷۹ ج، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
۴۷. _____ ، ۱۴۰۶ ق، *خصائص الائمة*، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
۴۸. _____ ، بی تا الف، ترجمه محمدرضا آشتیانی و محمد جعفر امامی، زیر نظر آیت الله ناصر مکارم شیرازی، قم، هدف.
۴۹. _____ ، بی تا ب، *نهج البلاغه*، ترجمه محمدعلی انصاری قمی، تهران، نوین.
۵۰. _____ ، بی تا ج، *نهج البلاغه*، ترجمه محمدتقی جعفری، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۵۱. سیوطی، جلال الدین، ۱۳۶۵ ق، *الدر المنثور*، بیروت، دارالمعرفة.
۵۲. _____ ، ۱۴۲۱ ق، *احیاء المیت بفضائل اهل البیت علیهم السلام*، تصحیح و پاورقی کاظم فتلاوی و محمد سعید طریحی، ترجمه احمد امامی، طهران، المجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام.

۵۳. شوشتری، محمدتقی، ۱۳۷۶، *بهبج الصباغة فی شرح نهج البلاغة*، تهران، امیرکبیر.
۵۴. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ق، *عیون اخبار الرضا*، بیروت، اعلمی.
۵۵. _____، ۱۴۰۵ ق، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۶. _____، ۱۴۱۷ ق، *الامالی*، قم، مؤسسه بعثت.
۵۷. _____، بی تا، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۸. صوفی تبریزی، ملا عبدالباقی، ۱۳۷۸ ق، *منهاج الولاية فی شرح نهج البلاغة*، تصحیح حبیب الله عظیمی، تهران، میراث مکتوب.
۵۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۱۵ ق، *المعجم الاوسط*، بی جا، دارالحرمین.
۶۰. _____، بی تا الف، *المعجم الصغیر*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۶۱. _____، بی تا ب، *المعجم الکبیر*، قاهرة، مکتبة ابن تیمیة.
۶۲. طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۸ ق، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد الحسینی، بی جا، نشر الثقافة الاسلامیة.
۶۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۰ ق، *الاقتصاد*، تحقیق حسن سعید، کتابخانه جامع چهلستون.
۶۴. عبده، محمد، بی تا، *شرح نهج البلاغة*، تصحیح محی الدین عبدالحمید، قاهره، مطبعة الاستقامة.
۶۵. عسکری، سید مرتضی، ۱۴۱۰ ق، *معالم المدرستین*، بیروت، مؤسسه النعمان.
۶۶. عیاشی، محمد بن مسعود، بی تا، *تفسیر العیاشی*، تهران، مکتبة علمیة الاسلامیة.
۶۷. فرات کوفی، ابی القاسم، ۱۴۱۰ ق، *تفسیر فرات*، تحقیق محمد کاظم، طهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی.
۶۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *القاموس المحيط*، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۶۹. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ ق، *ینابیع المودة لدوی القریبی*، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، بی جا، دارالاسوة.

- تجلی مرتبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن در آینه نهج البلاغه □ ۱۳۳
۷۰. کاظمی قزوینی، علاءالدین، ۱۴۲۴ ق، *القائلون بتحریف القرآن السنة ام الشيعة*، بی جا، یاس زهراء.
۷۱. کراجکی، محمد بن علی، ۱۳۶۱، *التفضیل*، طهران، مؤسسه اهل بیت و بنیاد بعثت.
۷۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ ق، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۷۳. کیذری بیهقی، محمد بن حسین، ۱۳۷۵، *حدائق الحقائق*، قم، مؤسسه نهج البلاغه و نشر عطارد.
۷۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحديث.
۷۵. معرفت، محمدهادی، ۱۴۲۸ ق، *صيانة القرآن من التحريف*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۷۶. مغنیه، محمدجواد، ۱۹۷۲ م، *فی ظلال نهج البلاغه*، بیروت، دار العلم للملایین.
۷۷. مفید، محمد بن نعمان، ۱۴۰۳ ق، *الامالی*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه.
۷۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۸۰، *پیام امام امیرالمؤمنین*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۷۹. مهیار، رضا، ۱۳۷۰، *فرهنگ ابجدی*، ترجمه المنجد ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی.
۸۰. موسوی، سید عباس، ۱۴۱۸ ق، *شرح نهج البلاغه*، بیروت، دار الرسول و دار المحجة البيضاء.
۸۱. نجارزادگان، فتح الله، ۱۳۸۴، *تحریف ناپذیری قرآن*، تهران، مشعر.
۸۲. نسایی، احمد بن شعیب، بی تا، *خصائص امیرالمؤمنین*، تحقیق محمدهادی امینی، بی جا، مکتبه نینوی الحدیثه.
۸۳. نواب لاهیجی، محمد باقر، بی تا، *شرح نهج البلاغه*، تهران، نشر اخوان کتابچی.
۸۴. نیسابوری، مسلم، بی تا، *الجامع الصحیح*، بیروت، دار الفکر.

